

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مردم پاکدشت، در سالروز عید سعید غدیر - 10 / بهمن / 1383

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً خوش آمد عرض می‌کنیم به همه ی حضار محترم، برادران و خواهران عزیز، بخصوص برادران و خواهرانی که از منطقه ی پاکدشت متحمل زحمت شدند و تشریف آوردند. مایل بودم در پاکدشت در جمع شما شرکت کنم؛ اما شما قبول زحمت کردید و تشریف آوردید. ان شاءالله خداوند متعال همه ی مردم عزیز پاکدشت و همه ی ملت بزرگ ایران را مشمول برکات خود قرار دهد.

و تبریک عرض می‌کنم عید مبارک غدیر را، که عید بزرگ خداوند و یکی از مقاطع بسیار مهم و تعیین کننده در تاریخ اسلام است. مسأله ی غدیر و تعیین امیرالمؤمنین (علیه الصلوة والسلام) به عنوان ولی امر امت اسلامی از سوی پیامبر مکرم اسلام (صلی الله علیه واله وسلم) یک حادثه ی بسیار بزرگ و پرمعناست؛ در حقیقت دخالت نبی مکرم در امر مدیریت جامعه است. معنای این حرکت که در روز هجدهم ذی الحجه سال دهم هجرت اتفاق افتاد، این است که اسلام به مسأله ی مدیریت جامعه به چشم اهمیت نگاه می‌کند. این طور نیست که امر مدیریت در نظام اسلامی و جامعه ی اسلامی، رها و بی اعتنا باشد. علت هم این است که مدیریت یک جامعه، جزو اثرگذارترین مسائل جامعه است. تعیین امیرالمؤمنین هم - که مظهر تقوا و علم و شجاعت و فداکاری و عدل در میان صحابه ی پیغمبر است - ابعاد این مدیریت را روشن می‌کند. معلوم می‌شود آنچه از نظر اسلام در باب مدیریت جامعه اهمیت دارد، اینهاست. کسانی که امیرالمؤمنین را به جانشینی بلافصل هم قبول ندارند، در علم و زهد و تقوا و شجاعت آن بزرگوار و در فداکاری او برای حق و عدل، تردید ندارند؛ این مورد اتفاق همه ی مسلمین و همه ی کسانی است که امیرالمؤمنین (علیه الصلوة والسلام) را می‌شناسند. این نشان می‌دهد که جامعه ی اسلامی از نظر اسلام و پیغمبر، چه نوع مدیریت و زمامداری و حکومتی را باید به عنوان هدف مطلوب دنبال کند.

مشکل جوامع بشری هم در مهمترین مقاطع، در همین نقطه بوده است؛ یعنی جوامع بشری هرگاه از زمامداران باتدبیر و باتقوا و پرهیزگار و شجاع برخوردار بوده اند، توانسته اند قدمهایی جلو برونند. آن وقتی که جوامع دچار مدیرانی شدند که برای آنها پرهیزگاری و پاکدامنی معنا نداشت، ترجیح منافع مردم بر منافع خودشان مطرح نبود، ترس از خدا و محاسبه ی الهی برایشان مطرح نبود - انسانهای ضعیف، انسانهای دلبسته ی به منافع و شهوات شخصی - مشکلات برایشان به وجود آمد؛ چه مشکلات مادی و چه مشکلات اخلاقی و معنوی. این که می‌بینید ملل اسلامی و کشورهای اسلامی در برهه یی از تاریخ، مقهور قدرتهای ظالم و متجاوز شدند، علت همین بود. اگر آن روزی که استعمار و لشکرکشی‌ها و کشورگشایی‌های غربی در مناطق اسلامی شروع شد، زمامداران مسلمان از دین، از پاکدامنی، از غیرت و از شجاعت برخوردار بودند، قضیه این طور نمی‌شد. اگر پایبند به شهوات و پایبند به تسلط خودشان بر مقام و قدرت چند روزه نبودند، موضوع این طور نمی‌شد. ضعف مسلمانان و جوامع اسلامی، اغلب ناشی شده است از ضعف مدیران جوامع و زمامداران آنها؛ البته هر دو روی هم اثر می‌گذارند. مدیریتهای ناتوان و ناهل، نظام اخلاقی و سیاسی را در جامعه سست می‌کنند و انسانها را به ضعف می‌کشانند؛ آن وقت در چنین جامعه یی به طور طبیعی باز زمامداران از انسانهای ناهل تر و ضعیف تر رنج می‌برند و مبتلای به آنها می‌شوند.

امروز وقتی به دنیای اسلام نگاه می‌کنید، می‌بینید که بیداری مسلمانان در همه ی نقاط مسلمان نشین عالم و در کشورهای اسلامی به برکت بیداری ملت ایران است، و ملت ایران به برکت رهبری امام بزرگوار - که جان خود را به میدان آورد، سینه ی خود را در مقابل تیرهای دشمن سپر کرد و صادقانه حرف زد و صادقانه عمل کرد - پا در این میدان عظیم گذاشت. دنیایی که می‌خواهد ملل مسلمان را ذلیل ببیند، ملت ایران به برکت رهبری شجاعانه و مخلصانه یی که امام بزرگوار نشان داد، عزت خودشان را بر اینها تحمیل کردند. ولایت امام (رضوان الله علیه) پرتوی از چشمه ی فروزنده ی خورشیدی غدیر بود؛ لذا توانست این همه آثار را به وجود بیاورد، ملت را بیدار کند، ایران را بازسازی معنوی و مادی بکند.

یک ملت کهن، با این تاریخ و با این فرهنگ، شده بود بازیچه‌ی دست قدرتهای متجاوز خارجی؛ درباره‌اش تصمیم بگیرند، با موجودی و ثروتش هر کاری می‌خواهند بکنند، او را تحقیر کنند، منافع خودشان را منهای منافع این ملت دنبال کنند. بزرگترین تحقیر و اهانت به یک ملت، همین است. ملت بیدار شد و عزت خودش را با اقتدار و با سرپنجه‌ی عزت و تصمیم و اراده‌ی خود دوباره به دست آورد.

امروز شما ملت در دنیای اسلام عزیزید. می‌بینید که مسؤولان کشور شما وقتی به کشورهای دیگر سفر می‌کنند، مردم آن کشورها - که آن مسؤول را مظهر و نماد ملت ایران می‌بینند - چه احترامی می‌کنند. نسبت به دیگران، چنین چیزی وجود ندارد. خیلی از رؤسای کشورها به کشورهای مختلف مسافرت می‌کنند؛ اما این که مردم کشوری به خیابانها بریزند و به رئیس یک کشور دیگر احترام بگذارند و شعارهای شما را با همان الفاظ تکرار کنند، در دنیا بی‌نظیر است؛ هیچ نمونه‌ی دیگری برای هیچ رئیس کشوری وجود ندارد. از اول انقلاب تا الان این طور بوده؛ این به خاطر عزت ملت ایران است؛ و این عزت به خاطر این است که ملت ایران استقلال خود را با تکیه‌ی بی‌اعتقاد به اسلام و ایمان اسلامی محکم نگه داشت و کوتاه نیامد. برای همین است که با ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی دشمن اند.

می‌شنوید که مسؤولان استکبار جهانی، بخصوص امریکایی‌ها - که زشت‌ترین مظهر استکبار جهانی، سردمداران دولت امریکا هستند - درباره‌ی ملت ایران دایم چه حرفهایی می‌زنند و چه اهانتهایی می‌کنند. گاهی هم تهدید می‌کنند؛ به خیال این که ملت ایران با تشر و تهدید اینها از میدان خارج خواهد شد، تسلیم آنها خواهد شد و در مقابل آنها زانو خواهد زد؛ تصور احمقانه و ابلهانه. ملت ایران آن روزی که امکانات امروز را نداشت، این جمعیت عظیم جوان را نداشت، این توانایی‌های فنی‌ی را که امروز به همت جوانان این کشور به دست آورده، نداشت، از تشر امریکا و شوروی آن روز و ابرقدرتها نترسید. امروز ملت ایران از اول انقلاب بمراتب نیرومندتر، محکم‌تر و مجهزتر به همه‌ی تجهیزات است که به آن احتیاج دارد. بنابراین ملت ایران در مقابل تهدید هیچ قدرتی مرعوب نمی‌شود. با نظام جمهوری اسلامی ایران هم بد و دشمن اند؛ چون نظام جمهوری اسلامی و مسؤولان آن حاضر نیستند ملت ایران را تسلیم آنها کنند؛ آنها این را می‌خواهند. هر دولتی در هر کشوری حاضر باشد به ملت خود خیانت کند و ملت خود را تسلیم امریکا کند، با او خوبند و از او خوششان می‌آید و او را تمجید می‌کنند؛ مرتجع باشد، قدیمی باشد، نظام کودتایی باشد، نظام سلطنتی باشد، برایشان فرقی نمی‌کند؛ آن‌جا دیگر حقوق بشر مطرح نیست! اگر دولت جمهوری اسلامی هم - العیاذبالله - حاضر بود ملت خود را تسلیم دشمنان کند، به جمهوری اسلامی نه تهمت نقض حقوق بشر می‌زدند، نه تهمت حمایت از تروریسم می‌زدند. دشمنی آنها با نظام جمهوری اسلامی و دولتمردان این نظام به خاطر این است که اینها ایستاده‌اند و حاضر نیستند برای به دست آوردن دل دشمنان بیگانه، به ملت خودشان پشت کنند. مشروعیت این دولتمردان هم به همین است. هر دولتی در ایران اسلامی که به مردم خود تکیه نداشته باشد، مشروع نیست. آن مسؤولی که خواست دشمن را بر خواست ملت ترجیح بدهد، در مقابل دشمن ضعف نشان بدهد و حاضر باشد ضعف خود را بر ملت تحمیل کند، از مردم نیست؛ مردم چنین مسؤول و دولتمداری را قبول ندارند. ملت ایران، قوی و شجاع است. هر کس می‌خواهد با این ملت و برای این ملت کار کند، باید دارای شجاعت، تدبیر، قوت قلب و در مقابل دشمنان دارای اعتمادبه‌نفس باشد.

هیاهوی دشمنان زیاد است. هنر ابرقدرتها، همین تشر زدن و هیاهو کردن است. کسانی که از رموز کار مطلع نیستند، خیال می‌کنند اینها با انگشت خودشان می‌توانند همه‌ی زمین را زیر و رو و کن فیکون کنند؛ این طور نیست. آن‌جا بی‌اراده‌ی مردم در مقابل استکبار باشد، تیغ دشمنان کند است. آن‌جا بی‌اراده‌ی مردم می‌فهمند و می‌دانند که استکبار جز به زیان ملتها هیچ قدمی بر نمی‌دارد و مردم حاضر نیستند تسلیم استکبار شوند، استکبار هیچ غلطي نمی‌تواند بکند. آن‌جا بی‌اراده‌ی شما می‌بینید امریکایی‌ها توانستند با نیروهای نظامی خودشان وارد و مسلط بشوند، اشکال در درون آن کشورها بود؛ مشکل این بود که اراده و عزم مشترک ملت و دولت برای ایستادگی وجود نداشت و یا دولتی نبود؛ والا آن‌جا بی‌اراده‌ی ملت منسجم و متحدی، برخوردار از ایمان و عزم است و میان ملت و دولت پیوند وجود دارد، استکبار هیچ غلط و هیچ کاری نمی‌تواند بکند. تجربه‌ی خود امریکایی‌ها هم همین را به

آنها املاء می کند؛ خودشان هم می دانند.

ملت ایران در دل آنها رعب آفریده است. می دانند این ملت، رشید و شجاع و پایدار است. دهانهای آلوده شان را باز می کنند و ملت پاکیزه و مؤمن و شریف ایران را متهم می کنند به نژادپرستی و به چیزهایی که خودشان شایسته ی آن هستند. از حقوق بشر حرف می زنند! امریکایی ها حق ندارند نام حقوق بشر را بر زبان جاری کنند. کسانی که لکه ی ننگ کارهایی از قبیل زندان گوانتانامو و ابوغریب و بمباران مناطق مسکونی در عراق و افغانستان و جاهای دیگر روی پیشانی آنهاست، مظهر نقض حقوق بشر، خود آنها هستند؛ اینها وقاحت دارند که باز هم از حقوق بشر حرف می زنند.

کشورها را متهم می کنند به حمایت از تروریسم! تروریست ها زیر بال خود امریکایی ها رشد کرده اند. طالبان در افغانستان زیر بال خود امریکایی ها به وجود آمدند و رشد کردند. امروز هم منافقین که منفورترین و زشت روتترین تروریست ها هستند، زیر بال آنها هستند. تروریسم ابزار دست امریکایی هاست؛ آن وقت این و آن را متهم می کنند که شما طرفدار تروریسم هستید! تروریسمی که آنها می گویند، مرادشان مبارزات مردانه و شجاعانه و فداکارانه ی فلسطینی های فداکار است. آنها توقع دارند که ملت ایران در ظلم آنها نسبت به ملت فلسطین شریک شود! این هم یکی دیگر از توقعات ابلهانه ی آنهاست.

ملت ایران راه خود را با قدرت ادامه می دهد. ما راه سازندگی مادی و معنوی کشورمان را پیدا کرده ایم. ملت ایران به برکت اسلام قادر است دنیا و آخرت و اخلاق و معنویت خود را آباد کند. ملت ایران این راه را شناخته و پیش رفته و ایستاده است. در مقابل همین حرفها هم ملت ایران مستحکم تر خواهد شد. حضور شما ملت ایران در مقابله ی با یاهو های دشمنان، در راهپیمایی بیست و دوم بهمن، در انتخابات ریاست جمهوری و در پای صندوقهای رأی، به فضل الهی خودش را نشان می دهد. این حضور، قدرت و عزت و عزم ملت ایران را نشان خواهد داد. ما در همه ی میدان های بین المللی، با منطق و پیرو راه عقلایی - که اسلام این را به ما تعلیم داده - حرکت کرده ایم. منطق ما، منطق تدبیر و عقل و پیگیری منافع ملی است؛ در همه جا این طور است؛ در مذاکرات هسته یی با اروپایی ها هم همین گونه است. آنچه مصلحت ملت است، مسؤولان کشور آن را دنبال می کنند. در این مذاکرات، مذاکره کنندگان ایرانی و دولت جمهوری اسلامی جدی هستند؛ منتها طرف مقابل هم - که چند کشور اروپایی هستند - به طور جدی و واقعی وارد میدان مذاکره بشوند؛ ولی تا امروز متأسفانه این طور نبوده است. تا امروز این چند کشور اروپایی نشان نداده اند که حقیقتاً دنبال حل مسأله اند. این برای استکبار جهانی مشکل است که ملت ایران توانسته باشد با اراده و توانایی های ذاتی خود گام بزرگی را در راه علم و فناوری بردارد؛ مثل انرژی هسته یی. اینها می خواهند انرژی کشور همیشه وابسته ی به نفت باشد، که نفت هم تحت تأثیر سیاستهای قدرتهای جهانی است. می خواهند ملتها را با ریسمان های نامرئی همیشه در مشت خودشان نگه دارند؛ ملت ایران این را قبول نمی کند.

ما به کسانی که از طرف ایران مشغول مذاکره هستند، اعتماد داریم و از کار آنها حمایت می کنیم؛ منتها طرف مقابل باید بداند که با ترفندهای سیاسی و با تزیین وقت نمی تواند ملت ایران را از عزم راسخ خود برای پیمودن راه فناوری انرژی هسته یی باز بدارد. مسؤولان ما محاسبه کردند، محاسبه شان هم درست است. پیگیری این کار برای پیشرفت کشور - هم پیشرفت مادی، هم پیشرفت سیاسی، هم پیشرفت علمی - مفید و لازم است؛ این جزو مصالح ملی است؛ این را مسؤولان درست فهمیده اند و پایش هم ایستاده اند. اروپایی ها اگر می خواهند در این زمینه با ایران اسلامی به یک تفاهم واقعی برسند، باید تأثیر فشار امریکا و صهیونیست ها را روی خودشان کم کنند؛ نباید تحت تأثیر قرار بگیرند. با ملت ایران، مثل ملت ایران مواجه شوند. ملت ایران، یک ملت بزرگ و با فرهنگ است - این را ثابت کرده - نمی توانند با ملت ایران مثل یک ملت عقب افتاده و یک کشور مستعمره معامله کنند؛ چنین توهینی را ملت ایران بر آنها نخواهد بخشود.

بعضی از کشورهای اروپایی خاطرات قرن نوزده و اوایل قرن بیست در ذهنشان هست. آن روزی که انگلیسی ها با کشتی به خلیج فارس می آمدند و فرمانده نظامی انگلیسی از داخل کشتی به همه ی کشورهای منطقه - از جمله

ایران - حکمرانی می کرد، گذشته است. دورانی که محمدرضا پهلوی در این کشور می نشست تا انگلیسی ها و امریکایی ها به وسیله ی سفرایشان به او بگویند چه کسی را نخست وزیر کن، چه کسی را وزیر کن، چه کسی را بردار، نفت را این طوری کن، آن طوری کن، گذشته است. آن روز ملت ایران به پا نخاسته بود. آن روز ملت ایران بیدار نشده بود. امروز شما با یک ملت بیدار و با عزم و اراده مواجه آید. مسؤولان کشور هم در مقابل تهدید دشمنان ذره یی هراس در دلشان احساس نمی کنند؛ مسؤولان هم از خود این ملتند. طرفهای اروپایی مذاکره کننده ی انرژی هسته یی بدانند با چه کشوری صحبت می کنند. اگر مسؤولان کشور احساس کنند که در این مذاکرات جدیت وجود ندارد، روند عوض خواهد شد؛ طور دیگری خواهد شد؛ این را همه بدانند.

ملت ایران آزمایش بزرگ انتخابات را هم در پیش دارد. ایران ظرفیت های بزرگی دارد؛ بیش از هفتاد میلیون جمعیت، با این همه امکانات، با این همه استعداد، با این همه زمینه ی کار؛ که در هر بخشی وقتی یک مدیر خوب وجود دارد، انسان می بیند چقدر کار در آن جا به وجود می آید و چقدر گشایش برای مردم پیدا می شود. در هر بخشی که یک مدیر دلسوز، کارآمد، مؤمن و انقلابی سر کار است، انسان آثار و برکات آن را مشاهده می کند. سرتاسر کشور ما این طور است. ما ملت بزرگی هستیم؛ کشور بابرکتی هستیم؛ خداوند امکانات خوبی داده؛ با این امکانات، از اول انقلاب تا امروز کارهای بسیار بزرگی هم شده است؛ ولی ما هنوز در شروع کار هستیم؛ چون کارهای بزرگ، زمانبر است.

در این کشور باید با فقر و فساد و تبعیض مبارزه شود. علاج مشکلات این کشور این است که به طور جدی اجرای عدالت پیگیری شود؛ تبعیض برداشته شود؛ با فساد و فقر و عوامل فقر به طور واقعی مبارزه شود؛ این کارها، کارهای قوای سه گانه است؛ اعم از قوه ی مجریه و قوه ی مقننه و قوه ی قضاییه. البته مهمترین بخش در اختیار قوه ی مجریه است.

مردم باید دنبال رئیس جمهوری باشند که این توانایی، این شادابی، این قدرت، این احساس مسؤولیت و این آمادگی به کار در او وجود داشته باشد. مردم تحت تأثیر حرف این و آن هم قرار نمی گیرند؛ تشخیص می دهند؛ این را مردم ما نشان داده اند. فرصت وجود دارد؛ مردم تشخیص بدهند و انتخاب کنند. البته در انتخاباتی که چند ماه دیگر در پیش است، آنچه در درجه ی اول مهم است، عزم عمومی مردم است. ملت ایران نشان بدهند که به مسأله ی انتخابات بی تفاوت نیستند؛ به این مسأله اهمیت بدهند؛ این اساس کار است. بعد هم ان شاءالله خدای متعال توفیق بدهد و هدایت کند تا دل و ذهن مردم به سمت کسی برود که دارای چنین خصوصیات باشد. آن وقت حرکت عمومی ملت ایران روزبه روز شتاب بیشتری خواهد گرفت و خدای متعال هم وعده کرده است که هر ملتی تلاش و کار کند، به او اجر خواهد داد و نتایج را به او عطا خواهد کرد. برکات و رحمت الهی، تصادفی و شانسی نیست که بخوابیم و این برکات بدون دلیل بر ما نازل شود؛ نه، خدای متعال خودش در قرآن، و اولیاء ما در کلماتشان، برای ما روشن کرده اند؛ باید تلاش کرد، باید کار کرد، باید مجاهدت کرد تا ان شاءالله به نتایج رسید. امیدواریم ان شاءالله شما عزیزانی که این جا هستید و همه ی ملت ایران در این روز عید از وجود مقدس ولی عصر (ارواحنا فداه) عیدی حقیقی بگیرند و مشمول دعای آن بزرگوار باشند. خداوند توفیق پیشرفت و عزت و قدرت هرچه بیشتر را به ملت ایران عنایت کند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته